

به دنبال امنیتی کردن

موضوعات اجتماعی نیستیم

فرمانده نیروی انتظامی با بیان اینکه تلاش می‌کنیم موضوعات اجتماعی به هیچ وجه، امنیتی و انتظامی نشود، گفت: یکی از راهبردهایمان این است که موضوعات انتظامی و حتی اجتماعی را با درایت و هوشمندی مدیریت کنیم. به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین اشتری روز گذشته در بیست و سومین همایش سراسری رؤسا، فرماندهان و تناسب و فرآورد وظیفه در این رابطه همدارهای لازم را به مسئولان ذی‌ربط داده‌ایم.

مدیران نیروی انتظامی با اشاره به تهدیدات فرهنگی دشمن، وی ادامه داد: امروزه فضای مجازی بستری برای ترویج اباحه‌گری و اشاعه فساد شده است، گفت: معتقدیم که این فضا باید مدیریت شود. وی با بیان اینکه در برخورد با جرائم فضای مجازی طاعلانه وارد عمل می‌شوند، یادآور شد: متأسفانه شاهد رشد فزاینده جرائم در فضای مجازی هستیم و به تناسب و فرآورد وظیفه در این رابطه همدارهای لازم را به مسئولان ذی‌ربط داده‌ایم. فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به جدیت پلیس فتا در برخورد با جرائم فضای مجازی گفت: معتقدم، نیروی انتظامی هر کجا که با برنامه‌ریزی‌های صحیح، اقدامات پیشدستانه و اشراف اطلاعاتی ورود پیدا کرده، موفق شده است، بنابراین باید چنین راهبردهایی را توسعه دهیم. فرمانده ناجا با بیان اینکه فرماندهی معزز کل قوا بر تحقق «پلیس در تراز نظام اسلامی» تأکید ویژه‌ای دارند، اظهار کرد: پلیس در تراز نظام اسلامی را باید به یک گفتمان رایج در ناجا تبدیل کنیم.

سقوط مرگبار زن تنها از طبقه پنجم

تحقیقات پلیس تهران درباره پرونده زن تنهایی که بعد از سقوط از طبقه پنجم ساختمان مسکونی جان باخته در جریان است، به گزارش خبرنگار ما، سات ۱۹۵۰ عصر روز شنبه هفتم اردیبهشت‌ماه قاضی غلامی، باز پرس ویژه قتل داسداسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاتری ۱۳۶ فرجام از مرگ مشکوک زن سالخورده‌ای با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه داخل یکی از خیابان‌های شرقی تهران با مساحت زن ۷۳ساله‌ای به نام ربابه داخل جوی آب وروبرو بودند که بررسی‌ها حکایت از این داشت بر اثر سقوط از ارتفاع به کام مرگ رفته است. بررسی‌های مأموران در محل حادثه نشان داد زن فوت شده در طبقه پنجم ساختمان به صورت تنهایی زندگی می‌کرد که به طرز مرموزی از تراس خانه‌اش به پایین سقوط و فوت می‌کند. یکی از همسایه‌ها که موضوع را به مأموران خبر داده بود، گفت: لظطاتی قبل صدای مهبمی به گوشمان رسید. وقتی بیرون آمدیم مشاهده کردیم ربابه همسایه‌مان از تراس خانه‌اش به پایین سقوط کرده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه آغاز کردند.

سفرهای تفریحی باخودروی مزدا ۳ سرقتی

خودروی سرقتی مزدا ۳ که برای مسافرت‌های تفریحی بین دوستان سارق دست به دست می‌شد در نهایت از سوی مأموران متوقف شد. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی به‌اداره پلیس رفت و از سرقت خودروی مزدا ۳ خبر داد. شاکي گفت: برای انجام کاری وارد اداری در شمال تهران شدم و قبل از آن خودروی خود را مقابل ساختمان پارک کردم، اما وقتی به محل برگشتم دیدم خودروام سرقت شده‌است. پس از ثبت این شکایت پرونده به دستور قاضی علی وسیله ایزد موسی، باز پرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۲۴ برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. پس از آن مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی سارق باسارقان خودروی گرانقیمت آغاز کردند تا اینکه چند روز قبل مأموران گشت پلیس در یکی از خیابان‌های شهرستان اسلامشهر به خودروی مزدا ۳ مشکوک شدند که پس از بررسی شماره پلاک خودرو از سامانه پلیس مشخص شد خودروی مزدا ۳ سرقتی است. بدین ترتیب مأموران خودرو را متوقف و راننده آن را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها با انکار سرقت خودرو گفت: چندت قبل با یکی از دوستانم به نام طالب اختلاف حساب پیدا کردم. من از او ۲۰ میلیون تومان طلب داشتم و هر وقت برای گرفتن طلبم به در خانه‌اش می‌رفتم مرا امروز و فردا می‌کرد تا اینکه با هم درگیر شدیم و مدعی شد که طلبی از او ندارم. چندی قبل یکی از دوستانم گفت که طالب وضع مالی‌اش خوب شده و خودروی مدل بالا سوار می‌شود. وقتی این موضوع را شنیدم همراه دو نفر از دوستانم به سراغ رفتم و پس از اینکه او را به شدت کتک زدیدم خودروی مزدا ۳ که سوار بود او را به زور گرفتم. و به او گفتم هر وقت بدهی‌اش را به من پرداخت کند من هم خودرواش را به او پس می‌دهم، اما او از آن روز به بعد دیگر سراغ خودرواش را نگرفت تا اینکه مأموران پلیس مرا به اتهام سرقت خودرو بازداشت کردند. مأموران در ادامه سراغ طالب رفتند و او را به عنوان سارق دستگیر کردند. متهم



در بازجویی سرفت را انکار کرد و مدعی شد که خودروی سرقتی را یکی از دوستانش به صورت امانت به او داده است. وی گفت: بهمن سال گذشته تصمیم گرفتم برای همسرم کادوی ولنتاین بخرم و همراه او چند روزی برای تفریح به شهرستان بروم. به همین دلیل به سراغ دوستم سهراب رفتم و خودروی مزدا ۳ که سوار بود برای چند روز امانت گرفتم. پس از اینکه کادوی ولنتاین خریدم همسرم را با خودروی مزدا ۳ به مسافرت بردم و وقتی از مسافرت برگشتم فیروز که با هم اختلاف حساب داشتمیم همراه دوستانش، مرا مراد کردند و خودرو را به عنوان گرواز من گرفتند. من موضوع را به سهراب گفتم که او گفت خودرو را از دوستش ولی امانت گرفته و خودرو هم سرقتی است که به همین سبب دنبال خودرو نرفتم. با اعتراف متهم، مأموران سهراب و ولی را دستگیر کردند. سهراب افرادی طالب را تأیید کرد و گفت: خودرو سرقتی را برای سفرهای تفریحی از ولی امانت گرفتم و پس از اینکه مدتی با آن تفریح کردم در اختیار طالب قرار دادم. ولی در بازجویی‌ها گفت: مدتی قبل خودروی مزدا ۳ را برای تفریح سرفت کردم. پس از اینکه چند روزی با آن تفریح و خوشگذرانی کردم به صورت امانت به سهراب دادم تا او هم با آن به تفریح برود که او هم پس از مسافرت خودرو را در اختیار یکی از دوستانش قرار می‌دهد. تحقیقات از متهمان به دستور قاضی علی وسیله ایزد موسی از سوی مأموران پلیس آگاهی ادامه دارد.

هلاکت قاتل روحانی همدانی طی درگیری با پلیس



یکی از سربازان وظیفه‌زا ناحیه کتف (بازوی سمت راست) و یک درجه‌دار انتظامی همدان از ناحیه با مسورد اصابت گلوله قرار گرفتند. مددومان در بیمارستان بعثت شهر همدان بستری شدند که با توجه به سطحی بودن جراحت، حال عمومی آنها مطلوب و رو به بهبود است. فرمانده انتظامی استان همدان اظهار داشت: «پس از هلاکت چند مأموران علاوه بر سلاح کلاشنیکف جرم، تعدادی خضاب پر از فشنگ از او کشف کرد.»

سردار کامرانی افزود: «بعد از دستگیری این فرد، در ساعات ۴:۲۵ صبح دیروز، مأموران به فردی که در حال تردد در محله جابازاران همدان بود مشکوک شدند و به او دستور ایست می‌دهند. فرد مظنون کسی نبود جز بهروز حاجیلو که برای فرار از دست پلیس، سلاح کلاشنیکف را که در زیر کاپشن خود مخفی کرده بود خارج کرده و به سمت مأموران شلیک می‌کند. وی بعد از شلیک گلوله سعی داشت با حرکت به سمت کوجه و پس کوجه‌ها با شلیک تیر به سمت مأموران فرار کند که به ضرب گلوله پلیس به هلاکت رسید.»

سردار کامرانی همچنین گفت: این درگیری ۲۰ دقیقه به طول انجامید، در این درگیری که تاجس‌های گام به گام پلیس برای بازداشت‌متهم در جریان بود تحقیقات میدانی از شاهدان حادثه هم جریان داشت. یکی از شاهدان گفت که مقتول از پشت سر هدف گلوله قرار گرفته است. شاهدی دیگر اما گفت: «ضارب که سر نشنیم خودروی ۲۰۶ بود، چند بار خیابان شهدا را دور زد و چند بار هم در اطراف کوجه روحانی مقتول قدم زد گویا منتظر کسی بود. وقتی روحانی از حوزه علمیه خارج شد ضارب او را به اسم صدا کرد و گفت: «شما آقای قاسمی هستید؟» بعد از جواب مثبت روحانی، وی به سمت او شلیک کرد و دست او را برای ادامه داد ضارب و راننده هردو لباس پلنگی به تن داشتند.»

سردار یخشعلی کامرانی، فرمانده انتظامی استان همدان در توضیح عملیات بازداشت متهم گفت: «تیم‌های پلیسی کمتر از ۱۰ دقیقه توانستند ضارب را شناسایی کنند. متهم دارای سابق کیفری و تحمل زندان زیادی بود و با حجت‌الاسلام مصطفی قاسمی در یک محله زندگی می‌کرد. با اطلاعات به دست آمده ابتدا مالک خودرو

زندانی فراری که با همدستی یکی از دوستانش در پوشش پلیس از مردم زورگیری می‌کرد بازداشت شد. به گزارش خبرنگار ما، بازدارنده نبودن مجازات‌ها در کشور سبب شده است تا تبهکاران برای رسیدن به خواسته‌هایشان از هر عنوان ممکن استفاده کنند؛ چراکه می‌دانند بعد از تحمل مجازات و با آموزه‌های زندان موفق خواهند شد تا مدت زایدی به حیات مجرمانه‌شان ادامه دهند. در پرونده‌ای که به تازگی در پلیس تهران کامل شده‌است و مردم با معرفی خود به عنوان پلیس اقدام به



زورگیری از شهروندان می‌کردند. یکی از شاکیان در توضیح ماجرا گفت: من فروشنده پول‌های خرد وارز در خیابان منوچهری هستم. یک روز که در محل مسلط کرده‌بودم دو مرد سمت من آمدند و بانشان دادن کارت شناسایی که نشان پلیس داشت خودشان را پلیس معرفی کردند. آنها با این ادعا که من نظلم اقتصادی را به هم ریخته‌ام و به صورت غیرقانونی خرید و فروش می‌کنم از من درخواست ۴ میلیون تومان کردند و اگر نه من را بازداشت می‌کنند که ناچار شدم پول را به آن‌ها بدهم. شاکي دیگر که مردی ۴۶ساله بود در طرح شکایت خود گفت: من در ایستگاه بی‌آرتی منتظر اتوبوس بودم که دو مرد جوان با نشان دادن کارت شناسایی و نشان پلیس

نشان پلیس در دست زندانی فراری

خودشان را مأمور معرفی کردند. آنها بعد از بررسی ساک دستت‌ی‌ام و بازرسی بدنی کیف پولم را که ۲میلیون و ۳۰۰ هزار تومان داخلش بود، برداشتند. آنها همچنین کارت‌های بانکی‌ام را برداشتند و با تهدید رمز کارت‌ها را هم از من گرفتند. سپس من را با تهدید سوار خودروی خودشان کردند و در محلی خلوت از ماشین پیاده کرده و گریختند. تحقیقات پلیس بعد از بررسی شکایت‌های مطرح شده نشان داد که متهمان با خودروهای پژو پارس، سمند و پراید هاجپیک به این شیوه اقدام به



قتل شریک برای اختلاف میلیاردی

مرد بنگاهدار که متهم است به خاطر اختلاف میلیاردی با همدستی شاگرد خود یکی از دوستانش را به قتل رسانده‌است، بازداشت شد و ماجرا را شرح داد. به گزارش خبرنگار ما، اختلاف‌های مالی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌هایی است که منجر به شکل‌گیری پرونده‌های جنایی می‌شود. در جریان پرونده‌هایی که منجر به قتل می‌شود مرتکبان تصور می‌کنند که با حذف فردی که با او اختلاف مالی دارند به خواسته‌شان می‌رسند، اما دستاوردی جز بازداشت و مجازات نصیب آن‌ها نمی‌شود. در پرونده‌ای که به تازگی در پلیس آگاهی تهران رمزگشایی و در سامانه چهارشنبه ۲۱ فروردین‌ماه تشکیل شده است. آن شب زن جوانی وارد کلاتری ۱۲۴ قلهک شد و مأموران را از گم شدن تاجهاتی شوهرش ۴۸ساله‌اش باخبر کرد. او گفت: ساعت ۹صبح امروز شوهرم از خانه بیرون رفت. من تا ساعت ۱۸ با او در تماس بودم، اما بعد از آن دیگر به تماس‌هایم جواب نداد و بعد هم گوشی تلفن همراه‌اش خاموش شد. بعد از مطرح شدن شکایت تیمی از کارآگاهان اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی مأمور رسیدگی به پرونده شدند. در این مرحله از تحقیقات شاکي اطلاعات بیشتری در اختیار پلیس گذاشت. او گفت: شوهرم در زمینه خرید و فروش ملک در مناطق پردیس، رودهن و بومهن فعالیت می‌کند. او روز حادثه با یکی از دوستانش به نام مسعودی ۲۵ساله که صاحب یک بنگاه املاک در رودهن است قرار ملاقات داشت.

بعد از به دست آمدن این سرخ مأموران پلیس از مسعود تحقیق کردند. او گفت: من از سرنوشت ناصر خبر ندارم. آن روز قرار بود که ساعت ۱۶ به بنگاه من بیاید حتی پیامکی هم برایم ارسال کرد که خودشا در

قتل پناهنده ایرانی در کمپ آلمانی

مأموران پلیس اینترپل به دستور باز پرس ویژه قتل پایتخت درباره قتل یکی از پناهندگان ایرانی در یکی از کمپ‌های حوالی شهر مونیخ آلمان تحقیق می‌کنند.

به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل مردی به اداره پلیس تهران رفت و از دو مرد جوان به اتهام قتل برادرش شکایت کرد. وی گفت: برادرم بهمن نام دارد و در تهران تعمیر کار موتورسیکلت داشت. کسب و کارش خوب بود، اما حدود ۱۴ ماه قبل همراه دو نفر از دوستانش به نام‌های جهانگیر و منصور تصمیم گرفتند برای زندگی و کار به کشور آلمان بروند. در نهایت برادرم و دو دوستش به صورت غیرقانونی به کشور آلمان رفتند و پس از آن در کمپی در شهر مونیخ آلمان مستقر شدند. من همیشه با برادرم به صورت تلفنی و پیامکی در ارتباط بودم و او از زندگی در آنجا رضای بود و می‌گفت به زودی کارش درست می‌شود و زندگی عادی‌اش را آنجا آغاز می‌کند تا اینکه بهمن‌سال قبل یکی از دوستانش با من تماس گرفت و گفت بهمن در کمپ به زندگی‌اش پایان داده‌است. وقتی این پیام به ما رسید شوکه شدیم و باور نمی‌کردیم چون برادرم مرد شاد و سر حالی بود و اصلاً بیماری افسردگی و روحی و روانی هم نداشت و از طرفی هم از زندگی در آلمان رضای بود. در نهایت جسد برادرم به ایران منتقل شد و او را دفن کردیم. وی ادامه داد: مدتی قبل از اینکه برادرم فوت کند با من تماس گرفت و گفت با جهانگیر و منصور اختلاف پیدا کرده است و این موضوع را چند باری که با او در تماس بودم با من درمیان گذاشت تا اینکه برادرم فوت کرد و الان احتمال می‌دهم آنها برادرم را به قتل رسانده و برای فریب مأموران صحنه‌سازی کرده‌اند. بدین ترتیب با طرح این شکایت پرونده برای بررسی در اختیار باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران قرار گرفت.

باز پرس پرونده به مأموران اینترپل دستور داد تا در گام اول با هماهنگی مأموران اینترپل کشور آلمان ضمن تحقیق از شاهدان حادثه از جهانگیر و منصور درباره حادثه تحقیق کنند و همچنین نتیجه آزمایش‌های پزشکی قانونی درباره علت فوت بهمن برای بررسی در اختیار پزشکی قانونی ایران قرار دهند. همچنین قرار شد مأموران از پلیس آلمان درخواست کنند تحقیقات میدانی حادثه را برای بررسی بیشتر کارآگاهان پلیس آگاهی تهران در اختیار آنها قرار دهند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.



ردیابی گوشی سرفت شده پلیس را به سارقان رساند

ردیابی گوشی تلفن همراهی که دو سال قبل سرفت شده بود سبب شد تا شش عضو یک گروه سرفت در جنوب تهران بازداشت شوند. مأموران در تحقیق از اعضای این باند خریدار گوشی‌های سرقتی را هم پس از دو سال بازداشت کردند. به گزارش خبرنگار ما، هفتم آبان سال ۹۶ مردی به نام مأموران کلاتری ۱۱۷ جوانی خبر داد که گوشی تلفن همراه گرانقیمتش در خیابان فداییان اسلام سرفت شده است. او گفت: در حال حرف زدن با گوشی بودم که دو موتورسوار آن را سرفت کرده و گریختند. بعد از طرح شکایت مأموران اداره ۱۸ پلیس آگاهی تهران که مأمور رسیدگی به پرونده شده بودند دو ماه بعد با ردیابی گوشی سرفت شده مردی به نام جمشید را در محله هرنندی بازداشت کردند. جمشید در بازجویی‌ها به سرفت با همدستی پنج‌نفر از دوستانش اعتراف کرد که محل تردد اعضای باند او در یکی از قهوه‌خانه‌های حوالی شوش شناسایی و بازداشت شدند. اعضای این باند در بازجویی‌ها به سرفت بیش از ۱۰۰ گوشی اعتراف کردند و گفتند که گوشی‌ها را به مردی به نام حمید در حوالی بازار مولوی می‌فروشنند. در حالی که تعداد شکایت‌ها علیه اعضای این باند به ۱۴۰ فقره رسیده بود، مأموران پلیس بعد از دو سال مخفیگاه حمید را شناسایی و اواخر فروردین‌ماه او را بازداشت کردند. مأموران پلیس در بازجویی‌ها به سرفت بیش از ۱۲ میلیون تومان پول نقد کشف کردند. حمید وقتی مورد تحقیق قرار گرفت از مأموران خواست ۱۲ میلیون تومان را به عنوان رشوه قبول کرده و او را آزاد کند که در خواست او هم ضمیمه پرونده شد. حمید در بازجویی‌ها به خرید بیش از ۲۰۰ گوشی سرقتی از اعضای باند جمشید اعتراف کرد و گفت که گوشی‌ها را با قیمت خیلی پایینی می‌خرید. سرهنگ کارآگاه احمد نجفی، معاون مبارزه با جرائم سرفت‌های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از اعضای این باند در جریان است.